

## انواع اختصارسازی در زبان فارسی

آبتین گلکار (عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس)

فرض اولیّه مقاله حاضر آن است که، در اغلب پژوهش‌هایی که تاکنون درباره اختصارسازی در زبان فارسی صورت پذیرفته و نمونه‌هایی از مهم‌ترینشان در فهرست منابع آمده است، یک نکته مهم نادیده گرفته شده و آنکه در آنها دو نوع اختصارسازی دارای تفاوت ماهوی متمایز نشده‌اند. منظور تمایز اختصارسازی شکلی یا نوشتاری صرف است از اختصارسازی گفتاری-نوشتاری یا واژه‌ساختی، نکته‌ای که از جمله در زبان‌شناسی روسی (زبانی که اختصارسازی در آن کاربرد و قابلیت‌های بسیار گسترده‌ای دارد) رعایت شده است.

بسیاری از مثال‌های موجود در مقالات یادشده فقط در نوشتار کاربرد دارند به این معنا که هرگوشور زبان در خواندن آنها صورت کاملشان را به زبان می‌آورد یا در دل می‌خواند. مانند نشانه‌های «ع»، «ق م»، «الخ»، «حصص» که فقط در نوشتار به این شکل تبدیل می‌شوند و در خواندن به صورت کامل «علیه‌السّلام»، «قبل از میلاد»، «الی آخر»، «صفحات» درمی‌آیند. مقایسه کنید با نمونه‌هایی مانند «هما»، «ساواک»، «شابک» که هم در گفتار و هم در نوشتار به همین صورت ظاهر می‌شوند و بسیاری از فارسی‌زبانان ممکن است اصلاً از صورت کامل آنها بی‌اطلاع باشند.

دلیل آنکه به نظر می‌رسد باید این دو گونه اختصارسازی را متمایز ساخت و روش‌های ساخت هریک را جداگانه بررسی کرد، پیش از هر چیز، آن است که آنها به حوزه‌های جداگانه‌ای از دانش زبان‌شناسی تعلق دارند. در واقع، اختصارسازی گفتاری-نوشتاری ذیل دانش واژه‌سازی بررسی می‌شود و یکی از روش‌های ساخت واژه‌های نو به شمار می‌آید. به همین دلیل، از این پس در مقاله حاضر از اصطلاح اختصارسازی واژه‌ساختی برای دلالت به این دسته از اختصارات استفاده خواهد شد. صورت مختصرشده‌ای که از این راه به دست می‌آید و به کار می‌رود همه ویژگی‌های لازم و بنیادین واژه را داراست، در حالی که با کوتاه کردن تنها صورت نوشتاری یک واژه یا ترکیب هیچ واژه جدیدی به گنجینه واژگان زبان افزوده نمی‌شود زیرا اختصارات نوشتاری فاقد یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های واژه یعنی صورت آوایی و قابلیت تلفظ‌اند. لذا این‌گونه اختصارات صرفاً در حوزه کتابت درخور مطالعه و بررسی‌اند نه در مبحث واژه‌سازی.

گذشته از این تفاوت بنیادین و نظری، در عمل نیز نکات ظریفی وجود دارد که، بر پایه آنها، به نظر می‌رسد تفکیک نشدن این دو نوع اختصار موجب پراکندگی آراء و یکدست نشدن قواعد و ضوابط اختصارسازی می‌شود. برای مثال، در میان انواع روش‌های اختصارسازی، که در جزوه اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی بر شمرده شده‌اند سه روش اختصار یک حرفی، ترخیم، و فشرده‌سازی صرفاً در مورد اختصارات نوشتاری به کار می‌روند و نمی‌توان از آنها در فرایند واژه‌سازی و، به تبع آن، واژه‌گزینی استفاده کرد. از این رو ذکرشان در این جزوه زائد می‌نماید ضمن آنکه، در حالت کنونی، میان روش‌های یادشده با همپوشانی نیز روبه‌رو هستیم. مثلاً روش ساخت صورت اختصاری «اُکسل» به جای عبارت «اکسیژن محلول» را طبق تعریف ارائه‌شده در جزوه می‌توان فشرده‌سازی نیز دانست (بخش‌هایی از میان عبارت حذف شده است، همان‌گونه که در اختصار نوشتاری «الخ» به جای «الی آخر» دیده می‌شود)، در حالی که بنا به نظر صحیح سیدمهدی سمائی، ساخت واژه «اُکسل» بر اساس یکی از حالت‌های روش سرواژه‌سازی (انتخاب بخشی از کلمات) انجام پذیرفته است (← سمائی، ص ۱۳۲). یا مثلاً مشخص نیست

چرا «ک.م.م.» (کوچک‌ترین مضرب مشترک) را باید نمونه اختصارسازی چندحرفی به شمار آورد و «نک» (نگاه کنید) را نمونه ترخیم (اصول و ضوابط واژه‌گزینی، ص ۳۹). با تفکیک اختصارهای گفتاری-نوشتاری از اختصارهای نوشتاری صرف و روش‌های ساخت هریک از آنها این تداخل و همپوشانی نیز رفع می‌شود.

دو تفاوت دیگر نیز می‌توان میان این دو گروه اختصارات سراغ گرفت: صورت اولیه در اختصارهای واژه‌ساختی باید دست کم دو واژه باشد، حال آنکه، در اختصارهای نوشتاری، ممکن است فقط یک واژه باشد، مانند «خ» به جای «خیابان». گذشته از آن، به نظر می‌رسد اختصار واژه‌ساختی پدیده‌ای است نسبتاً جدید و در متون کهن نشانی از آن یافت نمی‌شود، در حالی که اختصار نوشتاری سابقه دیرینه دارد و نمونه‌های آن را می‌توان در کتیبه‌ها و سکه‌های به‌جامانده از دوران باستان نیز یافت. (← زاهدی، ص ۳۹-۴۰)

### طبقه‌بندی تفکیکی اختصارات واژه‌ساختی و نوشتاری زبان فارسی

با توجه به آنچه گفته شد و با در نظر گرفتن تجربه‌های پیشین، می‌توان طبقه‌بندی زیر را برای تعریف انواع اختصارات زبان فارسی و روش‌های کوتاه‌سازی پیشنهاد کرد:  
کلیه اختصارات زبان فارسی در دو بخش گرد می‌آیند:

#### الف. اختصارات واژه‌ساختی

این بخش نوعاً اختصاری را در برمی‌گیرد که تلفظ و صورت مکتوب آن تفاوت دارد و، در گفتار، همان صورت اختصاری به کار می‌رود. با این‌گونه اختصار عملاً واژه تازه‌ای ساخته می‌شود که همه ویژگی‌های بنیادین واژه را داراست؛ مثلاً به یکی از مقولات واژگانی (اسم، صفت، ...) تعلق دارد و در جمله نقش نحوی مستقل ایفا می‌کند.  
روش‌های ساخت این دسته از اختصارات به شرح زیر است:

۱. آغازه‌سازی- از این روش در برخی از منابع با نام «اختصارسازی چندحرفی» یاد شده است (← اصول و ضوابط واژه‌گزینی، ص ۳۹؛ طباطبایی، ص ۱۲). اما اصطلاح «آغازه‌سازی» که در مقاله سمائی به کار رفته است، هم از لحاظ قابلیت‌های ترکیبی و اشتقاقی و هم از نظر

همخوانی ظاهری و ساختاری با دو روش بعدی اختصارسازی واژه‌ساختی (سرواژه‌سازی و آمیزه‌سازی)، گزینه مناسب‌تری به نظر می‌رسد. در این روش صورت اختصاری از چند حرف که هر کدام جداگانه تلفظ می‌شوند و معمولاً حرف اول واژه‌های یک عبارت‌اند، ساخته می‌شود (طباطبایی، ص ۱۲)، مانند «ک.م.م.» «کوچک‌ترین مضرب مشترک». این اختصارات، در بسیاری از حالات، ممکن است به صورت کامل نیز خوانده شوند؛ اما از آنجا که صورت اختصاری و حرف‌به‌حرف آنها؛ مثلاً، در این حالت خاص، [ke mim mim] نیز در میان عامۀ گویشوران رواج کامل دارد، ذیل گروه اختصارسازی چندحرفی طبقه‌بندی شده‌اند. اختصاراتی هم که به همین شکل با حروف زبان‌های دیگر ساخته شده‌اند، در همین دسته جای می‌گیرند، مانند «د.د.ت.»، «تی.ان.تی.»، «سی.سی.یو.»، «ان.تی.پی.»، «کا.گ.ب.»، «پی.بی.سی.»، «اچ.آر.»، «سی.وی.»، «یو.وی.»، «وی.آی.پی.».

سمائی به درستی اشاره کرده است که گرایش به این روش در زبان فارسی چندان شایع نیست و فارسی‌زبانان اغلب تمایل دارند تا با قرار دادن مصوتی در میان صامت‌های نخستین کلمات، عملاً به جای آغازسازی از سرواژه‌سازی استفاده کنند. حتی، در موارد نسبتاً کم‌شمار آغازسازی‌های فارسی نیز، موارد عدول از قاعده کلی انتخاب حروف نخست واژه‌های یک عبارت، به نسبت زبان‌های دیگر، بیشتر است، مانند «آ.ب.» (آموزش و ببنیاد).

البته باید توجه داشت که، در سال‌های اخیر، شمار آغازسازی‌های وام‌گرفته از زبان انگلیسی در حوزه فناوری‌های نوین مانند رایانه و تلفن همراه رشد سریع و فزاینده‌ای داشته است و واژه‌هایی با این ساختار، در گفتار مردم به‌ویژه نسل جوان، فراوان به کار می‌رود مثل «اس.ام.اس.»، «آی.پی.»، «آی.تی.»، «سی.پی.یو.»، «یو.اس.پی.»، «دی.وی.دی.»، «ال.ای.دی.»، «پی.اس.پی.»، «اچ.تی.ام.ال.» که تقلید محض از کاربرد بیگانگان است. ضمناً برخی از این سرآغازها ممکن است با واژه‌های کاملی نیز ترکیب شوند، مانند «اس.دی.کارد.»، «پی.اس.فور.».

نکته دیگر مربوط به درست‌نویسی این نوع اصطلاحات است. بنابه قواعد رایج در زبان انگلیسی، در این حالات، پس از هر حرف باید نقطه گذاشته شود و آن،

در بسیاری از نشریات و کتاب‌های علمی و عمومی فارسی، به‌ویژه در آغازسازی‌های گرفته‌شده از زبان‌های بیگانه، انجام می‌شود، در حالی که از جزوه اصول و ضوابط واژه‌گزینی چنین برمی‌آید که نیازی به گذاشتن نقطه پس از حرف آخر نیست، یعنی باید نوشت «ک.م.م.»، و نه «ک.م.م.» بد نیست فرهنگستان در ویراست‌های بعدی جزوه اصول و ضوابط واژه‌گزینی نظر خود را با تأکید و تصریح بیشتری بیان کند. ضمن آنکه در نگارش مواردی مانند «اس.دی.کارد» و «پی.اس.فور» قرار دادن نقطه پس از آغازه آخر (یعنی «اس.دی.کارد» و «پی.اس.فور») به تعیین مرز آغازسازی کمک می‌کند.

۲. سرواژه‌سازی- در این روش نیز معمولاً، اما نه همیشه، حروف اول واژه‌های یک عبارت به هم می‌پیوندند و واژه جدیدی می‌سازند که هم در تلفظ و هم در نگارش، به خلاف آغازسازی‌ها، نه به صورت حروف جداگانه بلکه به صورت یک واژه معمولی فارسی با سیلان پیوسته آواها ظاهر می‌شوند؛ مانند «تکا» (اداره تدارکات کارمندان ارتش)، «پهپاد» (پرنده هدایت‌پذیر از دور)، «سمپاد» (سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان). در ساختار اغلب این اختصارات، یکی از مصوت‌های *u*، *i*، *â* وجود دارد که تلفظ را راحت‌تر می‌کند. ضمناً در حالات کم‌شمارتری مانند «سَمَن» (سازمان مردمنهاد) و «سَمَت» (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها) نیز با مصوت *a* ساخته شده‌اند. ظاهراً سهولت در تلفظ این‌گونه اختصارات باعث شده است که، از جانب گویشوران زبان فارسی، نسبت به آغازسازی‌ها، با مقبولیت به مراتب بیشتری روبه‌رو شوند. افزون بر آن، در بسیاری از حالات، برخی آواها هرچند حرف آغازین واژه‌های عبارت اولیه نیستند، صرفاً برای ساده کردن تلفظ یا خوش‌آهنگ‌تر کردن صورت اختصاری وارد ساختار سرواژه شده‌اند، مانند *u* و *â* در «چوکا» (چوب و کاغذ)، *b* و *â* در «آبفا» (آب و فاضلاب)، یا *r* در «برجام» (برنامه جامع اقدام مشترک).

باز باید از شمار درخور توجهی از سرواژه‌های بیگانه یاد کرد که وارد زبان فارسی شده و رواج گسترده یافته‌اند؛ مانند «یونسکو»، «فیفا»، «ایتار تاس» (خبرگزاری روسیه)، «ایدز»، «اسپم»، «لیزر». در نمونه‌های نادر، هردو صورت اختصاری آغازه و سرواژه برای نام واحد ممکن است در زبان فارسی کاربرد داشته باشد، مانند «سی.آی.ای» و «سیا».

سرواژه‌ها نیز ممکن است با کلمات کامل ترکیب شوند و واژه‌های تازه به وجود آورند، مانند «صایران»، «بین‌گد».

۳. آمیزه‌سازی- در این روش «بخش‌هایی از دو واژه، و گاهی بیش از دو واژه، حذف می‌شود و پاره‌های به‌جامانده در هم ادغام می‌شوند و واژه جدید می‌سازد» (طباطبایی، ص ۳)، مانند «کاچیران» (کارخانه چرخ خیاطی ایران)، «توانیر» (تولید و انتقال نیرو)، «هوانیروز» (هوایمایی نیروی زمینی)، «مادیران» (ماشین‌های اداری ایران)، «مکاترونیک» (مکانیک، کامپیوتر، الکترونیک). آمیزه‌هایی ساخته شده با همین روش در زبان‌های خارجی نیز در زبان فارسی کاربرد دارند: «ایتترنت»، «کامسامول»، «کالخوز».

### ب. اختصارات نوشتاری

این نوع اختصارات تنها در نوشتار ظاهر می‌شوند و هنگام خواندن صورت کامل آنها تلفظ می‌شود، مانند «الخ»، «ع»، «صص». در اینجا عملاً واژه تازه‌ای ساخته نمی‌شود. از این رو، این اختصارات را باید در مباحث مربوط به آیین نگارش بررسی کرد و نه در مبحث واژه‌سازی. لذا، همچنان‌که پیشتر گفته شد، به نظر می‌رسد شایسته باشد، در ویرایش‌های بعدی اصول و ضوابط واژه‌گزینی سه روش اختصارسازی تک‌حرفی، ترخیم و فشرده‌سازی، که بیرون از حوزه واژه‌سازی قرار می‌گیرند، تماماً از این جزوه حذف شوند. این‌گونه اختصارها، از آنجا که وارد دستگاه واژگان زبان فارسی نمی‌شوند، نسبت به اختصارهای واژه‌ساختی ماهیت قراردادی نیرومندتری دارند و همانند شواهد مندرج در فهرست اختصارات فرهنگ‌ها ممکن است بسیار متنوع و گریزان از تن دادن به یک‌دست‌سازی باشند. با این حال، می‌توان چند روش اصلی را برای ساخت صورت‌های اختصاری نوشتاری نشان داد:

۱. استفاده از یک حرف به جای یک واژه یا عبارت، مانند «خ» (خیابان) یا «ع» (علیه‌السلام). در نمونه‌هایی کم‌شمار ممکن است تکرار این حرف دلالت بر صیغه جمع کند، مانند «صص» (صفحات)، «کک» (کتاب‌ها). تک‌حرف اختصار نوشتاری اغلب همان حرف آغازین واژه یا عبارت است. اما، در مواردی نیز ممکن است این‌گونه نباشد، مانند «ل» به جای

«شمال» در *دائرةالمعارف فارسی* مصاحب. در مورد استفاده از نشانه نقطه پس از حرف اختصاری اتفاق نظر وجود ندارد اما به نظر می‌رسد در شیوه‌نامه‌های نگارشی نهادهای فرهنگی معتبر معاصر گرایش غالب به نگذاشتن نقطه است.

۲. استفاده از یک حرف از هر یک از اجزای تشکیل دهنده واژه مرکب، (مانند «س م» به جای «سانتی‌متر») یا یک حرف از هر یک از واژه‌های تشکیل دهنده یک عبارت، مانند «نک» به جای «نگاه کنید»، «ش ش» به جای «شماره شناسنامه»، «پ م» به جای «پیش از میلاد». همچنان‌که در دو نمونه یادشده دیده می‌شود، قاعده مشخصی برای نگارش متصل یا منفصل حروف اختصاری این دسته وجود ندارد و بیشتر به مقتضای سلیقه یا عرف عمل می‌شود. در استفاده از نشانه نقطه پس از حروف اختصاری نیز همانند دسته قبل، اتفاق نظر وجود ندارد اما به نظر می‌رسد گرایش غالب نگذاشتن نقطه باشد. در متون علمی گاه ممکن است اعداد نیز در اختصارات این دسته (و نیز اختصارات تک‌حرفی) به خدمت گرفته شوند، مانند «م<sup>۲</sup>» (متر مربع) یا «س م<sup>۳</sup>» (سانتی‌متر مکعب).

۳. استفاده از چند حرف متوالی از بخشی از واژه یا عبارت، مانند «ویر» (ویرگول)، «عت» (ساعت)، «انگل» (انگلیسی).

۴. استفاده از حروفی دور از یکدیگر که بدون قاعده مشخصی از پاره‌های واژه یا عبارت انتخاب شده‌اند، مانند «نخ» (تاریخ)، «الخ» (الی آخر)، «قس» (قیاس کنید با)، «خ ل» (نسخه‌بدل).

### چند نکته تکمیلی

در پایان، ذکر چند نکته تکمیلی ضروری به نظر می‌رسد. نخست آنکه، در برخی از موارد، تعیین مرز دقیق میان اختصارات واژه‌ساختی و نوشتاری دشوار می‌نماید از این رو که اختصارات نوشتاری ممکن است، بر اثر کاربرد فراوان، به اختصارات واژه‌ساختی بدل شوند یعنی درگفتار به همان صورت اختصاری بر زبان آیند. مثلاً صورت اختصاری نام افراد، که بنا به ماهیت خود باید در زمره اختصارات نوشتاری قرار گیرد، در فارسی گاه به همان صورت اختصاری تلفظ می‌شود و شنیدن عباراتی مانند «ه.الف.سایه» (he-alef-sâye) یا «میم.آزاد» (mim-âzâd) برای گویشوران

غریب نمی‌آید هرچند مثلاً ترکیبی همچون «قاف.امین‌پور» (yaf-aminpur) دیگر این‌گونه نیست.

دیگر آنکه مجموعه اختصارسازی‌های زبانی به دو گروه یادشده محدود نیست. مثلاً بر اساس قواعد و گرایش‌های موجود در نظام آوایی زبان ممکن است، به صورت گوناگون، بخشی از واژه یا عبارتی حذف یا کوتاه‌گردد. فرآیندهای «حذف ۱» و «حذف هجا ۲» در علم آواشناسی کاملاً شناخته شده‌اند و تفاوت‌های ماهوی با اختصارسازی‌های واژه‌ساختی یا نوشتاری دارند. شاید مهم‌ترین تفاوت آن باشد که، به خلاف آن دو نوع اختصارسازی، به شکل طبیعی و تقریباً ناخودآگاه پدید می‌آیند و علت بروزشان ثقیل بودن برخی ترکیب‌های آوایی است و نه تمایل به کوتاه کردن واژه یا عبارت. مانند حذف t در واژه‌هایی مانند «دسترس» یا «پستیچی». این‌گونه حذف‌های آوایی نیز قابلیت واژه‌ساختی ندارند و، با حذف آوا و کوتاه شدن واژه، واحد واژگانی تازه‌ای پدید نمی‌آید. بر این اساس، به نظر می‌رسد برخی از مثال‌هایی که طباطبایی در فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی ذیل مدخل «آمیزه‌سازی» آورده است (طباطبایی، ص ۳)، مانند تبدیل «داور» به «داور» یا «سپیدار» به «سپیدار» و نمونه‌های تاریخی دیگری مانند تبدیل «اشتر» به «شتر» و «نامک» به «نامه» (← حق‌شناس ص ۱۵۷) بیشتر به مقوله حذف آواشناسی مربوط باشد. دلیل دیگری که می‌توان بر این مدعا آورد تأکید دوباره بر جدید و متأخر بودن پدیده اختصارسازی واژه‌ساختی است.

نوع دیگری از اختصارات زبانی، که به‌خصوص در زبان فارسی رواج گسترده‌ای دارد و در بسیاری از زبان‌های پرکاربرد جهان به این شدت و وفور دیده نمی‌شود، کوتاه کردن کلمات در سبک محاوره‌ای است. نمونه‌هایی مانند «اتول» به جای «اتومبیل»، «ابی» به جای «ابراهیم»، «پونص» به جای «پونصد»، «بشین» به جای «بشین» در این مقوله جای می‌گیرند. به نظر می‌رسد باز، در اینجا با ساخت واژه‌ای جدید روبه‌رو نیستیم و صرفاً شکلی جدید از یک واژه پدید آمده است که در سبک و مرتبه‌ای خاص از زبان (محاوره) کاربرد دارد. برخی از مثال‌هایی که در پژوهش‌های پیشین درباره اختصارات زبان فارسی آورده



شده‌اند نیز بهتر است در این دسته طبقه‌بندی شوند چون، هرچند تلفظ مستقل دارند و ظاهرشان مانند اختصار واژه‌ساختی است، تنها در گروه‌های حرفه‌ای یا اجتماعی خاص و به صورت خودمانی کاربرد دارند، مانند استفاده از «ویر» به جای «ویرگول» در جمع ویراستاران، «آز» به جای «آزمایشگاه» در جمع دانشجویان یا پزشکان و شیمیدانان، «بی‌تا» به جای «بی‌تاریخ [نشر]» در میان کتابداران و ویراستاران. چنین نمونه‌هایی، تا زمانی که رواج عام پیدا نکرده‌اند، قاعدتاً باید در زمره اختصارات محاوره‌ای یا ژارگنی قرار گیرند اما اگر همانند «ک.م.م» کاربرد گسترده یافتند، می‌توان آنها را واژه‌های نو و مستقل به شمار آورد و در گروه اختصارات واژه‌ساختی جای داد. روش‌های ساخت این‌گونه صورت‌های کوتاه‌شده محاوره‌ای و ژارگنی بسیار متنوع و تدوین قواعد آن نیازمند جمع‌آوری و تحلیل نمونه‌های فراوان است که پژوهشگرانی فعال در زمینه زبان محاوره‌ای باید به آن بپردازند.

## منابع

- اصول و ضوابط واژه‌گزینی (ویرایش سوم)، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۸.  
حق‌شناس، علی محمد، آواشناسی (فونیتیک)، چاپ دوم، آگه، تهران ۱۳۸۶.  
زارعی دانشور، علی، «دو نظر درباره اختصار در زبان فارسی»، نامه پارسی، سال ۶، ش ۴، ص ۱۷-۲۲.  
زاهدی، کیوان؛ شریفی، لیلا، «قدمت اختصارسازی در زبان فارسی»، زبان‌پژوهی، سال ۲، ش ۴ (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، ص ۳۳-۵۰.  
سمائی، سید مهدی، «سرواژه‌سازی در زبان فارسی و سرواژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، نامه فرهنگستان، دوره دوازدهم، ش ۱، شماره مسلسل ۴۵، ص ۱۲۸-۱۳۳.  
طباطبایی، علاء‌الدین، فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی، فرهنگ معاصر، تهران ۱۳۹۵.  
کافی، علی، «اختصارات و زبان فارسی»، نشر دانش، ش ۶۵ (مرداد و شهریور ۱۳۷۰)، ص ۱۳-۲۳.

□